



نگارش رویك گریگوریان

## پیانیست افسونگر

فرانس لیست Franz Liszt

(۱۸۸۶ - ۱۸۱۱)

فرانس لیست در اکتبر ۱۸۱۱ در شهر رایدنیک (هنگری) متولد شده پدرش آدام لیست موسیقی دان قابلی بود هم پیانو و هم آلات زهی را خوب مینواخت با موسیقی دانهای بزرگ مثل هایدن - هو - و غیره دوست بود. فرانس از کودکی برای موسیقی ذوق و استعداد فراوانی داشت. از شش سالگی زیر نظر پدرش بنواختن پیانو شروع کرد و در هفت سالگی قطعات مشکل موسیقی را با آسانی مینواخت در نه سالگی بجائی رسید که پدرش تصمیم گرفت او را بدادن کنسرت تشویق و وادار کند. اولین کنسرت خود را در «اودنبرگ» داد و بقدری موفقیت یافت که پدرش تصمیم گرفت او همان کنسرت را در پرسبورگ نیز تکرار کند در آنجا نیز موفقیت شایانی بدست آورده لقب «کودک نابغه» یافت (enfant prodige) و اصیل زادگان مجار در پرسبورگ هزینه شش سال تحصیل وی را (سالی ۶۰۰ گولدن) بعهده گرفتند.

در ۱۸۲۱ لیست دروین و در آنجا تحت نظر کارل چرنی Carl Czerny

به آموختن پیانو مشغول بود و ضمناً دروس تئوری را از موسیقی دان نامی آنتونیو سالییری Antonio Salieri یاد میگرفت. در سال ۱۸۲۲ در دهسالگی در وین کنسرتی داده کامیابی بزرگی حاصل کرد و تمام شنوندگان حتی موسیقی دانان را به حیرت انداخت در ۱۸۲۳ دوباره در وین کنسرتی داد و این بار بتهوون در آنجا حضور داشت و بقدری از نواختن او محظوظ شد که به سن رفته وی را بوسید. بعد در سه شهر بزرگ آلمان کنسرت داده موفقیتی که بدست آورد آوازه عظمت او را در سرتاسر اروپا منتشر کرد.



در ۱۸۲۳ لیست با پدرش به پاریس رفت و در آنجا پدرش میخواست او را به هنرستان عالی موسیقی بفرستد ولی چون مدیر هنرستان نسبت به اطفال نابغه بدبین بود به بهانه اینکه او اجنبی است به هنرستان راهش نداد. پدر لیست از این پیش آمد سخت عصبانی شده تصمیم گرفت او را برای کنسرت حاضر کند. در پاریس نیز اصیل زادگان مجار مانند وین بحمايت او برخاسته در شهرت وی کوشش بسیار کردند بزودی لیست کوچک زینت افزای سالن های بزرگ شد. در پاریس کسیکه بتواند باو پیانو بیاموزد نبود زیرا او خودش این آلت را باستادی مینواخت ولی او در پاریس کمپوزیسیون Composition را ابتدا نزد پایر Paer و بعد نزد ریخا Reichal یاد گرفت محتاج به گفتن نیست که در کنسرت پاریس بقدری کامیابی حاصل کرد که تمام شنوندگان را بحیرت انداخت سپس پدرش تصمیم گرفت او را برای کنسرت به لندن ببرد (۱۸۲۴) لیست با پدرش بلندن رفت ولی مادرش به وین برگشت در لندن نیز نظیر موفقیتی را که در پاریس یافته بود حاصل کرد با اینکه سنش کم بود بقدری لطیف و قشنگ و فهمیده مینواخت که شنوندگان نمیدانستند چگونه حیرت خود را اظهار کنند.

در ۱۸۲۵ بوسیله معلم خود پایر از ایرای پاریس اجازه گرفت که يك

ایرانی او را با اسم دون سانچو Don Sancho در آنجانبایش بدهند سپس لیست دوبار  
بطرف بنادر فرانسه مسافرت کرد و در مسافرت دوم پدرش وفات یافت از طرفی این  
پیش‌آمداور را غرق اندوه کرده بود و از طرف دیگر مجبور بود که بعد از آن برای تحصیل  
معاش به تعلیم پیانو مشغول شود و هزینه را که برای تحصیل خود اندوخته است صرف  
معاش کند او در تعلیم موسیقی خیلی مهارت داشت و با اینکه کوچک بود از معلمین  
درجه اول این فن بشمار میرفت. از کوچکی به کلیسا علاقه داشت مخصوصاً بعد از  
آنکه پدرش وفات یافت تنها در کلیسا میتوانست اندکی تسلی بیابد. اندوه و دلتنگی او  
بقدری شدید بود و باندازه ای به کلیسا علاقمند شده بود که نزدیک بود لقب روحانی  
و تارك دنیا بگیرد ولی در این اثنا از طرفی انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ در فرانسه ظاهر  
شد و لیست از طرف دیگر با ادبا و شعرای اجتماعی مانند هوگو، بالزاک، هاینه، آلفرد  
دو موسه، ژرژ ساند و غیره آشنا بود و چون بموسیقی نیز ذوق و علاقه زیادی داشت  
این عوامل توانستند او را از غم و اندوه و میل به روحانیت نجات دهند.



پروژه گاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی

از اوایل تا موقع مرگش همیشه سعی داشت قطعات موسیقی دانه‌های بزرگ  
را که در پس پرده‌ی فراموشی مانده بود بدون توجه به ملیت آنها نواخته و انتشار بدهد  
مثلاً در ۱۸۲۹ لیست یکی از کنسرتوهای بتھون را (کنسرتو در می بمل ماژور) برای  
اولین دفعه بنواخت. برای اینکه پایه علاقه و پرستش وی را نسبت به بتھون بدانیم  
جمله‌ای را که او در سخنرانی خود راجع به کارهای بتھون گفته است ذکر میکنیم «کار  
های بتھون برای ما موسیقی دانه‌ها مانند ستونی از آتش و ابر است که اسرائیلی‌ها را  
در صحرا هدایت میکرد. ستون آتش برای روشن کردن شب و ستون ابر برای رهنمائی  
در روز تاریکی و روشنائی کارهای بتھون راهی را که باید برویم بمانشان میدهد.»

کنسرتی که ویولونیست شهیر پاگانینی در ۱۸۳۱ داد در لیست تأثیر فوق‌العاده کرد و تکنیک خارق‌العاده پاگانینی موجب شد که لیست نیز در پیانو خود را به ویرتوئوزی برساند لذا مدتی کنسرت را ترك کرده و مشغول کار شد در این موقع بفکر افتاد که چیزهای تازه‌ای در تکنیک پیانو کشف کند حتی چند کاپریس پاگانینی را که مخصوص ویولون بود عوض کرده در پیانو بنواخت. شوپن «شاعر پیانو» نیز برای لیست سرمشق بزرگی بود و بالاخره ایندو نفر با هم دوست شدند. برلیوز نیز در لیست تأثیر بسیار نموده و لیست در چند جا از او پیروی کرده است موقعیکه برلیوز از ایتالیا برگشت و لیست *Episode de la vie d'un artiste* وی را شنید در او و تصنیفات او تأثیر زیاد کرد این نکته در آثار بعدی لیست بخوبی مشهود است. در ۱۸۳۴ لیست خود را يك موسیقی دان کامل و پر تجربه به جامعه معرفی کرد.



فرانس لیست

لیست با اینکه خود از طبقه ممتاز نبود در این موقع زینت افزای مجالس ادبی اشراف شده بود و جوانترین افراد آن مجالس بشمار میرفت قامت بلند، قیافه

لاغر و رنگ پیدشانی بهنش او را در انظار يك شخصى فوق العاده و غير معمولى معرفى ميكرد. علاقه زياد او به ديانت و مردد بودنش در انتخاب امور مادى يا معنوى بعموم آشكار بود. مهارت او در موسيقى همه را غرق حيرت و مسرت كرده بود. در مجالس اشراف بانوان مثل پروانه بدور او كشته و وى را « پاكائينى پيدانو » مى خواندند. پرنسس داگولت d'Agoult نيز از جمله اين بانوان بود او با اينكه شوهر و سه فرزند داشت هنوز طراوت و جوانيش باقى بود و عاشق ليست شد. ليست خيلى كوشش كرد كه اين فكر را از سر او خارج كند ولى بالاخره شاهزاده خانم داگولت شوهرش را كه بيست سال از او مسن تر بود با فرزندانش ترك گفته با ليست رهسپار ژنو شد. ليست از اين پيش آمد خيلى خشنود بود و اين معنى از نامه اى كه او از ژنو بيكى از دوستان خود نوشته بخوبى معلوم ميشود. از همين شاهزاده خانم سه طفل براى ليست متولد شد دانيل - كريستين - كوزيمان ( آخرى بعد ها زن هانس بيلو ) Hans Bülow و بعد زوجه ريشارد واگنر ( Richard Wagner ) شد بعضى اوقات نيز اينها در قصر نوهاند مهمان بانوى نويسنده نامى ژرژساند ميشدند از قطعاتى كه ليست در اين اوقات نوشته يكى ( Album d'un voyageur ) و يكى Musikalische Zandschaftslieder است در اين موقع ليست از سويس به ايتاليا سفر كرده بعد از گردش ميلان - ونيز - رم - به سويس برگشت و در آنجا به قطعات روسينى ( Rossini ) و دونى سياتى ( Donizetti ) و بلينى ( Bellini ) و مركدانته ( Mercadante ) و پاچينى ( Pacini ) تغييرانى وير توتوزى داد و آنها فانتزيهاى بسيار قشنگ ساخت. از سال ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۱ پنجاه و چهار آهنگ شوبرت را تغيير داده و براى بيانو مناسب ساخت.

چون ليست از سرمايه مادى بهره چندانى نداشت زنش نسبت باو بنامى بدرفتارى را گذاشت بالاخره ليست در ۱۸۳۹ او را ترك گفته با سه فرزند روانه پاریس كرد و خود بكارهاى ویرتوتوزی ادامه داد.

يكى از بزرگترين كارهاى او در اين موقع انجام يافته است بدىنمعنى كه

انجمن موسیقی شهر بون تصمیم گرفته بود مجسمه بتهوون را در آن شهر نصب کند ولی مخارج این کار ۱۸۰۰۰ دلار کسر داشت لیست نامه به انجمن مزبور نوشته حاضر شد تمام کسر هزینه را از در آمد کنسرتهاى خود پرداخته جشن گشایش مجسمه را نیز شخصاً اداره کند در ۱۸۴۰ کنسرتهاى پی در پی او شروع شد ابتدا در لندن و بعد در ۱۸۴۱ در لایپزیک کنسرت داد ولی در شهر اخیر موفقیت چندانی نیافت سپس در پاریس هامبورگ - کپنهاگ - و ایما - بران و بالاخره در ۱۸۴۲ در کنیگس برگ و پتربورگ و خیلی شهرهای دیگر کنسرت داده همه شنوندگان را دچار حیرت و مسرت کرد.



در روسیه چند پیش آمد غریب برای او رخ داد در ۱۸۴۷ با شاهزاده خانم ساین و تیگن شتاین آشنا شد خانم مزبور بعنوان اینکه شوهرش خیلی بد اخلاق است به تزار نیکولای اول متوسل شده از او تقاضای طلاق نمود ولی تزار قبول نکرده بود بعد از آنکه لیست در خیال داشت که « کمدی دیوین » *Divine comedie* دانته Dante را با تابلوهائی چند به معرض نمایش بگذارد و آهنگهای مخصوصی را که ساخته بود در موقع نمایش بنوازد و چون این کار هزینه گزافی لازم داشت لیست از شاهزاده خانم نامبرده کمک خواست ولی بعد هادیکر اینکار عملی نشد برای اینکه اندازه محبت و احترام این شاهزاده خانم را نسبت به لیست بدانیم کافی است به مقدمه کتابی با اسم « نامه های لیست به شاهزاده خانم و تیگن شتاین » که دختر همان شاهزاده خانم ماری لپسیوس (Maria Lipsius) نوشته است نظر افکنیم « این شاهزاده خانم همه چیز حتی خانه ، مقام و خویشان خود را که او را از این کار منع میکردند فدای لیست کرد و تازنده بود با حرارت غریبی برضد همه آنها میکوشید. او برای لیست خانه ای ترتیب داد و وسائل آسایش او را فراهم کرد عقاید دینی او را نیز خیلی محترم می شمرد و همیشه مواظب

صحت و سلامتی او بود. (Tasso) «تاسو» (Orpheus) «مازپا»  
از همه مهمتر اینکه او را در تمام کارهایش یاری و کمک میکرد بدون  
اینکه اظهار خستگی یا گله بکند مادر و بچه های لیست را در منزل خود قبول و  
پرستاری ایشان را عهده دار شد. لیست نیز نسبت به این شاهزاده خانم فوق العاده محبت و  
احترام میکرد این معنی از چند نامه که باو نوشته بخوبی آشکار میشود از جمله  
مینویسد « بگذار فرشته های زیبا و پرمهر ترا در روی بالهای خود پرواز دهند » باز  
باو مینویسد « صبر کن ای عزیز ، گرانبها ترین عروس ها ، خواهر ، خویش ، یاری  
کننده ، بال و پر ، خشنودی و شکوه عمر من . . . » شاهزاده خانم به و ایما رفت  
ولیست نیز باو پیروی کرد و در آنجا هر دو در قصری که شاهزاده خانم بزرگ به او  
بخشیده بود و لیست را به دیربژوری ایرای آن دعوت کرده بود زندگی می کردند  
(۱۸۴۷).

چون لیست به و ایما رفت و سمت دیربژوری (Dirigeur) یافت آن شهر  
کانون موسیقی مهمی شد و تمام کمپوزیتور های جوان و با استعداد و کسانی که ذوق  
موسیقی داشتند از هر سو به و ایما نزد « تشریح کننده موسیقی » میرفتند. ایرای  
بزرگ و اکنر با اسم « تان هاورز » (Tannhäuser) که در درسد از طرف مردم  
بخوبی استقبال نشده بود در و ایما بمعرض نمایش گذاشته شد و ارزش حقیقی آن معلوم  
گردید همینطور برای اولین دفعه در و ایما دو ایرای معروف و اکنر با اسم « لوهن گرین »  
(Lohengrin) و « هلندی پرنده » (Fliegende Holländer) نمایش داده  
شد و نیز یک ایرای برلیوز با اسم « بن ونوتو چلینی » (Benvenuto Cellini)  
که در پاریس بخوبی استقبال نشده بود در و ایما تحت اداره ماهرانه لیست موفقیت  
بزرگی یافت. همینطور « گنر فوفا » ی شو مان (Schumann) که در لایپزیک موفقیت  
نیافته بود در و ایما بخوبی استقبال شد و غیره . . . در ضمن و ایما محل تصنیف بهترین  
آثار لیست شد و او داستانهای منظوم سیمفونیک خود مانند « تاسو » (Tasso)  
« پرومتهوس » (Prometheus) « اورفئوس » (Orpheus) « مازپا »

(Mazeppa) « فاوست » (Faust) « جنگ هونها » و دوکنسرتو پیانو می بمل ماژر و لاماژر را در آنجا نوشت در آثاری که لیست در این موقع تصنیف کرده شخصیت و فکر فانتزی مخصوص او جلوه گراست و اثر مهم پیانوی او نیز با اسم « تشریفات کلیسایی بزرگ » که شامل پاتزده راپسودی (Rhapsodie) و هیجده اتود (Etude)، پولونزها (Polonaise) و نکتورنها (Nocturne) و غیره است متعلق باین اوقات میباشد پیشرفتهای بی سابقه او را موسیقی دانهای حسود بخوشبینی نمینگریستند و برای اینکه او را در انظار عموم دارای اخلاق پستی جلوه دهند به هر وسیله غیر قابل عفوی نیز متوسل میشدند. موقعیکه در دسامبر ۱۸۵۸ لیست اپرای پتر کورنلیوس (Peter Cornelius) را با اسم « سلمانی بغداد » (Le barbier de Bagdad) دروایمار نمایش میداد بدخواهان او جنجالی در صحنه راه انداختند که موسیقی دان نابغه عصبانی و متنفر شده از مقام خود دست کشید و به رم رفت (۱۸۶۱) فقط گاهی تابستانرا دروایمار بسر میبرد ولی زمستانهارا همیشه در رم یا بوداپست میگذرانید.

دنباله دارد

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

